

نقش تربیتی پدر در هویت‌یابی دختران

معصومه نفیسی راد^۱

چکیده

در اثر گسترش صنعت و جهانی شدن، شکاف زیادی بین نسل نوجوان با والدین به وجود آمده و هویت‌یابی نوجوانان دستخوش تغییراتی شده است. پژوهش حاضر کوشیده است نقش تربیتی پدر در هویت‌یابی دختران را بررسی نموده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای به این مهم و ابعاد تاثیرگذاری آن بر هویت‌یابی بپردازد. یافته‌ها حاکی از این بود که نقش تربیتی پدر از دوران بارداری مادر شروع و تا دوره خردسالی، دوران پیش از بلوغ و حتی دوران پس از بلوغ دختر نیز ادامه می‌یابد. با این وجود، دوره نوجوانی دختران اهمیت بیشتری داشته و نقش پدر در شکل‌گیری هویت صحیح در این دوره مهم است. بر اساس پژوهش‌ها، دختران برخوردار از حمایت عاطفی پدر به عنوان اولین جنس مخالف مورد ارتباط، در بزرگسالی کمتر دچار انحراف و تصمیم‌های سطحی و هیجانی می‌شوند و هویت‌یابی موفق‌تری خواهند داشت. در رویکرد اسلامی نیز به ضرورت توجه به هویت متمایز دختران و پسران بر اساس تفاوت‌های بیولوژیکی و زیستی و همچنین تفاوت نقش‌های اجتماعی آن‌ها اشاره شده است.

کلیدواژه: هویت دختران، هویت جنسیتی، پدر، تربیت، خانواده، نقش.

۱. طلبه سطح ۳ فقه و اصول جامعه الزهراء (ع) و دانشجوی دکتری مطالعات زنان (حقوق خانواده) دانشگاه ادیان و مذاهب قم،

مقدمه

از منظر زیست‌شناسان «هویت جنسیتی»، تصویر و احساسی است که زن یا مرد از زن بودن یا مرد بودن خود و نیز انتظاراتی است که فرد به عنوان یک جنس متمایز با جنس دیگر از خود دارد. «جنس» ویژگی‌های طبیعی یک نوع خاص همچون سطوح هورمونی، اندام‌های جنسی داخلی و خارجی، توانمندی تولید مثل و غیره است. واژه «جنسیت» مجموعه‌ای از فرایندها، رفتارها، روابط و نقش‌های متفاوتی است که جامعه به زنان و مردان می‌دهد. شناخت و باور افراد نسبت به هویت جنسیتی، متأثر از شرایط فرهنگی-اجتماعی و شیوه‌های تربیتی است. در واقع هویت جنسیتی، هویتی برآمده از هویت‌های مختلفی است که شرایط، عوامل و نقش‌های مختلف فردی و اجتماعی در تکوین و تبلور آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم دخیل هستند (رئوف ملایری، ۱۳۹۷، ص ۳۰۳). به عبارتی «نقش جنسیتی» انتظارات جامعه از هر یک از زنان و مردان با توجه به پایگاه اجتماعی، فعالیت‌ها و رفتارهای آنان است؛ همان مطالباتی که جامعه از فرد دارد که خود را با الگوهای رفتاری دو جنس که مورد پذیرش اجتماع است، همانندسازی کند. این انتظار و مطالبات یا بر پایه تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد و یا بر پایه نتایجی است که از تقسیم کار جنسیتی در خانواده و اجتماع به دست می‌آید. از دیدگاه اسلام مهم‌ترین نقش‌های جنسیتی شامل همسری، شوهری، مادری، پدری، سرپرستی خانواده، خانه‌داری و ولایت اجتماعی می‌شود. ایفای این نقش‌های مردانه و زنانه در خانواده و اجتماع، کارکردهایی به همراه دارد. این نقش‌ها با ویژگی‌های طبیعی و روانی زن و مرد همخوان است و نشاط و رضایتمندی هر دو جنس را به همراه دارد. نقش‌های متفاوت زن و مرد نیز مکمل یکدیگر هستند و موجب تحکیم خانواده و اجتماع می‌شوند (غلامی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱).

تربیت به دو قسم رسمی در محیط‌های آموزشی مدرسه و آموزش عالی و غیر رسمی که از سوی والدین، مربیان و مشاوران اجتماعی و رسانه‌های فرهنگی که به صورت پیدای پنهان ارائه می‌شود، قابل تفکیک است. افراد باید نگرش‌ها، تمایلات و رفتارهای خود را به‌گونه‌ای هدایت کنند که انتظارات را برآورده کنند و تکالیف خود را به درستی انجام دهند. در نظام

تربیت دینی، دختران و پسران باید برای ایفای موقعیت‌ها و نقش‌های خاص جنسیتی خود در خانواده و اجتماع تربیت و آماده شوند (همان، ص ۱۴۰).

«نقش پدری» یکی از نقش‌های جنسیتی است که در تحکیم خانواده و شکل‌یابی هویت افراد خانواده به‌ویژه فرزندان نقش مؤثری دارد. خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که فرزندان با آن مواجه می‌شوند، حائز اهمیت است. پدر به عنوان اولین الگوی جنسیتی که دختر با آن روبه‌رو می‌شود، در شکل‌گیری هویت جنسیتی وی و نحوه تعامل با جنس مخالف مورد توجه است (Chen, 2022, 307). از نظر روان‌شناسان تربیتی، ارتباط مناسب دختران با پدران اهمیت بسیاری دارد. برخی دختران مبتلا به سندروم «مسئله با پدر»^۱ هستند و رفتارهایی آسیب‌زا در ارتباط با جنس مخالف دارند. ارتباطات متعدد خارج از عرف، ارتباط با مردان سن بالا و چسبندگی در روابط، از جمله نشانه‌های رفتاری این افراد است. در واقع این دختران با انجام چنین رفتارهایی به دنبال پرکردن خلأهای عاطفی به جامانده از جانب «پدر» خود هستند (آتیه‌آنلاین، «نقش پدر در شکل‌گیری شخصیت زنان موفق»، ۱۴۰۰/۱۲/۲۵). از این‌رو بررسی نقش تربیتی پدر در هویت‌یابی دختران و آگاهی بخشی به والدین و فرزندان برای رفع مشکلات احتمالی ناشی از بی‌توجهی به این مسئله ضروری است.

در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مقاله «نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران» نوشته مریم رئوف ملابیری و همکاران که در فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است، مقاله «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز» نوشته محمود علمی و حمید علیزاده (۱۳۸۸) و مقاله «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان‌های ناحیه دو شیراز» نوشته محمدتقی ایمان و فاطمه حائری (۱۳۹۱) اشاره کرد. با این حال پژوهشی که به صورت دقیق و مدون به بررسی نقش تربیتی پدر در هویت‌یابی دختران بپردازد، یافت نشد. از این‌رو پژوهش حاضر کوشیده است ضمن تبیین اهمیت این موضوع و با بهره‌گیری

1. daddy issue

از پژوهش‌های صورت گرفته، به بررسی نقش تربیتی پدر بر هویت‌یابی دختران، تأثیر آن بر فرایند هویت‌یابی، ابعاد و شاخص‌های آن بپردازد.

مفهوم‌شناسی و نظریه‌های هویت جنسیتی

هویت جنسیتی، یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت است. در زمینه این بُعد از هویت، نظریات گوناگونی بیان شده است که در این بخش ضمن تبیین مفهوم هویت جنسیتی، به بیان مهم‌ترین نظریات هویت جنسیتی می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی هویت جنسیتی

هویت، تصویری است که فرد از خود و روابطش با جهان بیرون دارد. اگرچه این تصویر با تصویری که دیگران از فرد دارند، متفاوت است؛ اما اینکه چه تصویری از خودمان داشته باشیم، به تصویری که از جنسیت خود داریم، بستگی دارد؛ یعنی هویت جنسی، هویت ما را تشکیل می‌دهد (Michael kimmel, 1997؛ سفیری و محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸). هویت در مفهوم عام خود، از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هویت از منظر روان‌شناسی به معنای خودپنداره یا احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی است. مجموعه ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر افراد، اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌کند. در این رویکرد، هویت عمدتاً حاصل یک فراگرد فردی ناشی از عوامل درونی (خودآگاه و ناخودآگاه) تعریف می‌شود، اما در رویکرد جامعه‌شناختی، هویت بیشتر محصول ساختارهای اجتماعی است و در اثر مشاهده، یادگیری اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد (Bem, 1974).

جیمز یکی از بنیانگذاران روان‌شناسی، «خود» را به دو بخش «من فاعلی» و «من مفعولی» تقسیم کرده است. من مفعولی، مجموعه چیزهایی است که فرد می‌تواند آن را مال خود بداند و شامل توانایی‌ها، خصوصیات اجتماعی، شخصیتی و تعلقات مادی است. من فاعلی، خودآگاهانه است و همواره تجارب مردم، اشیاء و وقایع را به نحوی کاملاً ذهنی سازمان می‌دهد و تفسیر می‌کند (Dumais, J, 2002).

بر اساس نظریات کلی پیاژه و سایر نظریه‌پردازان روان‌شناختی، خود نوجوان از خود کودک خردسال انتزاعی‌تر، پیچیده‌تر و منسجم‌تر است. نوجوانان هنگام توضیح دادن درباره من مفعولی به همان اندازه تأکید بر خصوصیات روان‌شناختی یکپارچه، بر عقاید، افکار و احساسات تأکید می‌کنند. احساسات نوجوان تداوم دارد و برای توصیف خود، خود کنونی و خود آینده را یکی می‌کند؛ در حالی که کودکان خردسال هنگام توصیف خود، به کارهایی اکتفا می‌کنند که در زمان حال انجام می‌دهند. کولبرگ اصول اساسی رشد شناختی پیاژه را وارد مبحث جنسیت کرد. از نظریه وی، برای دستیابی به مؤلفه هویت جنسیتی عبور از سه مرحله الزامی است:

۱. دستیابی به مفهوم هویت جنسیتی: این مرحله در حدود دو سالگی رخ می‌دهد که کودک در این شرایط شناختی از جنسیت خود پیدا می‌کند و دیگران را با عنوان دختر یا پسر می‌شناسد، اما تصویری از ثبات جنسیت در خود ندارد.

۲. درک پایداری جنسیتی: این مرحله از سن ۳ تا ۴ سالگی شروع می‌شود. کودک درکی از زن و مرد دارد، اما هنوز تصور می‌کند با تغییر موقعیت مانند تغییر نوع بازی ممکن است جنسیت افراد نیز تغییر کند.

۳. مرحله ثبات جنسیت: این مرحله از حدود سن ۶ تا ۷ سالگی شروع می‌شود و کودک درک می‌کند که جنسیت، مقوله‌ای همیشه ثابت است و در هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند. از نظر کولبرگ تثبیت جنسیت در این مرحله، فرد را به کسب نقش‌های جنسیتی هدایت می‌کند (ایمان و حائری، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

نظریه یادگیری اجتماعی با تأکید بر تقلید و تقویت جایگزینی، بر اکتسابی بودن نقش‌های جنسیتی توجه دارد. مطابق این نظریه فرد با مشاهده رفتار اطرافیان، رفتار مناسب جنسی را از خود بروز می‌دهد. کودکان برای دریافت پاداش می‌کوشند که رفتار جنسی مناسب از خود بروز دهند (میشل، ۱۹۶۶). این نظریه با تأکید بر اهمیت یادگیری دیداری و تقلید، برای تقلید از الگوهای ارائه‌شده توسط هم‌جنسان اهمیت زیادی قائل است (Doyle, J.A & Paluldi, 1998). خانواده و رسانه، از مهم‌ترین ارائه‌دهندگان الگوی جنسیتی هستند و کودکان با مشاهده این

الگوها در موقعیت یادگیری نقش‌های جنسیتی قرار می‌گیرند (همان، ص ۱۶). بر اساس نظریه‌های جامعه‌پذیری جنسیت، کودکان در فرایند جامعه‌پذیری نه تنها به موجوداتی اجتماعی تبدیل می‌شوند؛ بلکه ویژگی‌های مردانه یا زنانه نیز پیدا می‌کنند. در این وضع جنسیت، در بردارنده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها یا رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان شایسته و مناسب است (علمی و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۷). براون معتقد است خانواده، نقش بسیار مهمی در جامعه‌پذیر کردن افراد دارد. کودکان همواره والدین‌شان را هنگام اجرای نقش‌های جنس می‌بینند. طبیعی است که کودکان نقش‌های ایفا شده پدر و مادرشان را در خانه به عنوان شیوه‌های عادی و مقبول برای رفتار مردان و زنان تلقی کرده است، بپذیرند (Brown, 1987, 86). به نظر شافر و لامن در فرایند جامعه‌پذیری در خانواده، نگرش‌ها و هویت جنسیتی به صورت درونی شده به فرزندان انتقال می‌یابد که تداوم سلطه مردان و فرمانبری زنان را به دنبال دارد (Schaeffer and Laman, 1992, 98). هویت یابی، یکی از موضوعات مهمی است که به دلیل نقش آن در کیفیت زندگی افراد مورد توجه پژوهش‌های مختلف قرار گرفته است و ابعاد گوناگونی دارد. در میان این ابعاد، هویت جنسیتی به معنای مهم‌ترین ادراکات هر زن و مرد نسبت به جنسیت متمایز خود است. این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با نقش جنسیتی به عنوان محل بروز و ظهور شخصیت دارد. در تبیین زمینه‌های شکل‌گیری هویت جنسیتی، چند رویکرد غالب مطرح شده است که عبارتند از:

الف. رویکرد تعینی یا ذاتی که زنانگی و مردانگی را بر اساس تبیین زیست‌شناختی، واقعیت‌هایی بیولوژیک می‌داند که فراتر از ابعاد فرهنگی و تاریخی جوامع، دو جنس نر و ماده را با دو هویت جنسی متمایز توصیف می‌کند (Pilcher & Whelehan, 2005).

ب. رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی که بر مفاهیمی همچون رویدادهای محیطی، انتظارات فرهنگی و اجتماعی، ساخت اجتماعی و تولید و بازتولید به تناسب زمان و مکان‌های مختلف تأکید دارد و شکل‌گیری هویت معطوف به جنس را در ارتباط با این مفاهیم، فرایندی تعریف می‌کند که فرد در ارتباط با جامعه، تعریفی از خود به عنوان زن یا مرد به دست می‌آورد (Burr, 1998).

و از این رو نقش یادگیری اجتماعی را بسیار جدی توصیف می‌کند (Lorber, & Farrell, 1991).
ج. رویکرد دینامیک که هویت جنسیتی را حاصل یک ارتباط پویا و تعامل مستمر بین محیط، ژنتیک و آناتومی یا ابعاد زیستی و ترجیحات طبیعی هر انسان می‌داند که ایجاد طیفی از افراد با هویت‌های تجربه شده متفاوت را به دنبال دارد (Brinkman & Rabenstein, 2012).

۲. مهم‌ترین نظریات هویت جنسیتی

مهم‌ترین نظریات مرتبط در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران عبارتند از: نظریه نقش، نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه طرحواره جنسیتی، نظریه هویت جنکینز.

۲-۱. نظریه نقش

نقش جنسیتی عبارت است از انتظارات غالب در یک جامعه درباره فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آن‌ها درگیر شوند (Kammeyer et.al, 1992, 325). در نظریه نقش جنسیتی افزون بر اختصاص وظایف خانگی یا اجتماعی جداگانه به هر یک از دو جنس، انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هر یک از دو جنس مد نظر است. در واقع نقش‌های جنسیتی، آن دسته از تجربیات مشترکی هستند که افراد بر مبنای مذکر یا مؤنث بودن‌شان به دست می‌آورند و بر مبنای آن عمل می‌کنند (Oakley, 1976, 448). تفاوت‌های نگرشی و رفتاری مردان و زنان از نقش‌های متفاوتی ناشی می‌شود که آن‌ها در جامعه دارند. «موقعیت فرد در ساختار اجتماعی، شکل دهنده باورها، نگرش‌ها و رفتارهای اوست» (zuo, 1997).

پارسونز بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی در حفظ و انسجام خانواده تأکید کرده است. در این تقسیم کار، رهبری خانواده و کسب درآمد بر عهده شوهر و وظایف خانه‌داری و کدبانوگری بر عهده زن است. این الگو به بهترین شکل، زمینه ایفای کارکردهای اصلی خانواده یعنی تثبیت شخصیت بزرگسالان و جامعه‌پذیری کودکان را فراهم می‌کند (Harvey, L and MacDonald, 1993, 197). در نقد نظریه پارسونز باید گفت که امروزه همین

الگوی تقسیم کار جنسیتی در خانواده‌ها موجب مشاخره و درگیری و عامل بی‌ثباتی خانواده شده است. بسیاری از زنان از اینکه بار عمده کارهای خانگی بر دوش آنان سنگینی می‌کند و مردان مسئولیتی را در این زمینه نمی‌پذیرند، شکایت می‌کنند. از سوی دیگر توزیع نابرابر قدرت و عدم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها بر این نارضایتی می‌افزاید (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

۲-۲. نظریه طرحواره جنسیت

بر اساس نظریه طرحواره جنسیت که در چارچوب نظریات مربوط به هویت جنسیتی و به وسیله ساندرایم ارائه شده است، هویت جنسیتی زمانی شکل می‌گیرد که کودکان معنا و تصویری از خود می‌سازند که در بردارنده مفاهیم مردانگی و زنانگی است و جنسیت به بخشی از خودپنداره آن‌ها تبدیل می‌شود. کودکان به تدریج تشخیص می‌دهند که جنسیت یک ویژگی اساسی برای تعریف و شناخت هر کس است. پس از استحکام این شناخت‌ها، ادراکات فرد تحت تأثیر آنچه درباره جنسیت یاد گرفته‌اند، قرار می‌گیرد (Baron and Byrne, 1997, 176).

نظریه طرحواره جنسیت بر این فرض استوار است که کودکان در طول دوران کودکی مطالبی را درباره جنسیت می‌آموزند. فرایند رشد و تحول سنخیت جنسی یا اکتساب نقش‌های جنسیتی در کودکان، نتیجه یادگیری تدریجی کودک از محتوای طرحواره جنسیتی جامعه است. تداعی‌های مرتبط با جنسیت که طرحواره را شکل می‌دهند، بسیارند. برای مثال دختران لباس می‌پوشند، پسران لباس نمی‌پوشند. پسران قوی و محکم و دختران زیبا هستند (Bem, 1974). باید توجه داشت که بسیاری از این طرحواره‌ها، ناشی از رویکرد بزرگسالان است که در مواجهه با کودکان بروز می‌دهند. والدین و بزرگ‌ترها باید بر تفاوت‌های طبیعی و تکوینی پسر و دختر توجه کنند و بسیاری از آن‌ها را بپذیرند؛ اگرچه ممکن است برخی پسران فوتبال دوست نداشته و یا برخی دختران تمایلی پسرانه داشته باشند (هیلگارد، ۱۳۸۵).

۲-۳. نظریه یادگیری اجتماعی

این نظریه بر ارتباط سه‌گانه میان فرد، رفتار و محیط از طریق فرایند التزام یا علیت متقابل تأکید می‌کند. یکی از کاربردهای نظریه یادگیری اجتماعی، توضیح علل تفاوت‌های جنسیتی در نگرش و رفتار است. این نظریه تأکید بسیاری بر نقش عوامل محیطی در

یادگیری نگرش‌ها و رفتارها دارد. نظریه یادگیری اجتماعی با نام آلبرت باندورا همراه است. وی قائل است کودک از دو طریق رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را یاد می‌گیرد، نخست از طریق آموزش مستقیم و دوم از طریق تقلید و همانندسازی (Duske, 1987, 128). طرفداران این نظریه بر این باورند که والدین نقش بسیار مهمی در یاد دادن نقش‌های جنسیتی به فرزندان دارند؛ زیرا زمان زیادی در ارتباط با فرزندان هستند و با هم رابطه عاطفی دارند (گرت، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

اشکال اساسی این نظریه آن است که به موجب آن باید در عالم واقع میان تنبیه و تشویق پسران و دختران تفاوت باشد و بر اساس الگوهای هنجاری، رفتارهای جنسیتی رخ دهد. برای مثال والدین و معلمان به پسران به دلیل رفتار پرخاشگرانه پاداش دهند و دختران را به همین دلیل تنبیه کنند، اما شواهد گویای آن است که پسران به خاطر رفتارهای پرخاشگرانه بیشتر تنبیه می‌شوند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای جنسیتی کودکان شباهت زیادی با مدل‌های رفتاری بزرگسالان ندارد (Albrecht, et al, 1987, 165؛ بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

۲-۴. نظریه جامعه‌پذیری جنسیت

جامعه‌پذیری، فرایندی است که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌شناسان را می‌آموزند و شخصیت ویژه‌ای کسب می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که آمادگی عملکرد و رفتار در جامعه به عنوان یک عضو را پیدا می‌کنند. امر مورد توجه جامعه‌شناسان در این نظریه، یادگیری مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که متناسب با نقش‌های جنسیتی افراد است. جامعه‌پذیری جنسیت، آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله آن نه تنها کودکان به موجوداتی اجتماعی تبدیل می‌شوند؛ بلکه به افرادی با ویژگی‌های زنانه یا مردانه تبدیل می‌شوند (علمی و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۷). از منظر جامعه‌شناسان خانواده، اهمیت اساسی در جامعه‌پذیر کردن افراد دارد. فرزندان همواره در ارتباط با والدین هستند و نقش‌های جنسیتی را فرا می‌گیرند. یکی دیگر از راه‌هایی که والدین رفتارهای جنسیت‌مدار فرزندان‌شان را تقویت می‌کنند، الگوهای متفاوت کنش متقابل و رفتار با دختران و پسران است. تقلید فرزندان از رفتارهای والدین، به جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران در خانواده منجر می‌شود.

۵-۲. نظریه هویت جنکینز

جنکینز با تأثر از آرای مید و گافمن، در نظریه هویت اجتماعی خود جنسیت را آشکارترین وجه هویت فردی می‌داند که در تعامل میان دیگران ساخته می‌شود. تفکیک جنسی که به طور اجتماعی از تفاوت‌های زیستی ساختار گرفته است، وجه رایج همه جوامع انسانی است. جنسیت همواره از منظر بیرونی تعریف می‌شود و در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی، از استحکام بیشتری برخوردار است. از نظر جنکینز، شکل‌گیری هویت از طریق رابطه متقابل فرد و جامعه میسر خواهد بود که به واسطه استفاده از نمادهایی که به طرق مختلف در جامعه شکل گرفته است و به نظام ذهنی فرد منتقل می‌شود، صورت می‌گیرد (علمی و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۹). بنابراین می‌توان گفت در نظریه هویت جنکینز، هویت اجتماعی بیش از هویت فردی مورد توجه قرار گرفته است. گویا نقش و جایگاه فرد برای اعتلای ارزش‌های مستقل و شخصی، وانهاده شده است و چندان عنایتی بدان نیست؛ در حالی که در طول تاریخ گاهی هویت فردی توانسته دوران ساز شود و با ویرانی باورهای حاکم، مسیر جدیدی را پدید آورد. از این رو باید به هر دو بُعد هویت فردی و اجتماعی توجه کرد (سایت روزنامه اعتماد، «دیالکتیک فرد و اجتماع»، ۱۳۹۹/۰۴/۲۴).

رویکرد اسلام به هویت جنسیتی

نظریه‌های یاد شده در زمینه هویت جنسیتی، به دو شیوه تبیین علی و تبیین کارکردی به مسئله هویت پرداخته‌اند. در تبیین علی از عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی بهره برده و تبیین‌های کارکردی بر کارکردهای مثبت تفکیک جنسیتی نقش‌ها برای حفظ یکپارچگی اجتماعی و یا کارکردهای منفی آن در استعمار زنان و تداوم نظام سرمایه‌داری تأکید کرده‌اند. متون اصلی اسلام به طور مستقیم و با زبان علمی به تبیین عوامل شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی نپرداخته‌اند، اما با تأمل در مجموعه احکام و توصیه‌های دینی می‌توان دیدگاه و رویکرد چند علتی اسلام را تبیین کرد (بستان، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

با نگرش به آیات و روایات پیرامون هویت، کارکرد و نقش‌های زن و مرد، می‌توان به این نتیجه رسید که از دیدگاه اسلام هویت زن و مرد یک بخش ثابت و غیرقابل تغییر دارد که بر اساس

داشته‌های تکوینی و خدادادی شکل‌گرفته است و وظایف و تکالیف متفاوتی برای هر یک از آن‌ها معین کرده است. یک بخش سیال و قابل تغییر نیز دارد که تحت تأثیر مسائل فرهنگی و تربیتی است و می‌تواند نقش‌های مخالف را نیز بپذیرد (هاشمی‌علی‌آبادی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۱). از دیدگاه برخی مفسران آیه شریفه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء: ۸۶)؛ «بگو هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت‌های اکنسابی خود عمل می‌کند؛ پس پروردگارتان به کسی که راه یافته‌تر است، داناتر است»، به بخش ثابت هویت و شخصیت انسان دلالت دارد (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۹۱). آیات و روایاتی که بر تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری انسان و نیز الزامات یا ترجیحات متفاوت زن و مرد دلالت دارند، به بخش سیال هویت مربوط می‌شوند؛ مانند آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹ و ۱۰)؛ «بی‌تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد و کسی که آن را [به آلودگی‌ها و امور بازدارنده از رشد] آلوده کرد، [از رحمت حق] نومید شد». آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین: ۱۴)؛ «چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند؛ بلکه اعمال‌شان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشست است» بر همین مطلب اشاره دارد.

در آیات و روایات بر تربیت عاطفی دختران، انجام برخی ورزش‌ها برای پسران، پرهیز از تشبیه به جنس مخالف در لباس و رفتارهای جنسی، ارائه الگوهای رفتاری متفاوت درباره همسری برای مردان و زنان، اولویت‌بخشی به نقش مادری برای زنان و غیره تأکید شده است. این توجه، گویای دقت دین به هویت جنسی و نظام جنسیت تربیتی است که افزون بر توجه به تفاوت‌های طبیعی و روانی زن و مرد بر انتظارات گوناگون از مردان و زنان بر اساس هدفمندی خلقت و کارکردها تأکید دارد (هاشمی‌علی‌آبادی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۲).

فرایند هویت‌یابی با روند رشد جسمی و روانی کودک همراه است. هویت‌یابی همچون سایر مسائل تربیتی کودک، نیازمند آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم است و خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت بر عهده دارد؛ چنانکه رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «يَا عَلِيُّ حَقَّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَيَضَعَهُ مَوْضِعًا صَالِحًا» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۲)؛ یا علی! حق فرزند بر پدرش این است که او را نام نیکو نهد و ادب

نیکو کند و او را در جایگاهی که صلاحیت آن را دارد قرار دهد».

آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَنْفِرَ أُمَّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ وَيُعَلِّمَهُ السَّبَاحَةَ وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَنْفِرَ أُمَّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيُعَلِّمَهَا سُورَةَ التَّوْرَةِ وَلَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَلَا يُنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَيُعَجِّلَ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ... (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۸)؛ حق فرزند بر پدر خویش آن است که اگر پسر است، مادرش را در رفاه قرار دهد و اسم نیکو برایش انتخاب کند و به او کتاب خدا را تعلیم دهد و او را پاکیزه گرداند [منظور ختنه کردن فرزند پسر است] و به او شنا یاد دهد و اگر دختر بود، مادرش را در رفاه قرار دهد و اسم نیکو برایش انتخاب کند و به او سوره نور را یاد دهد و سوره یوسف را به او تعلیم ندهد و او را در بالاخانه [و در دید] قرار ندهد و در فرستادن او به خانه همسر تعجیل کند».

اسلام قواعد و تکالیفش را با «اصول تغییرناپذیر آفرینش» و «سنت‌های طبیعی و فطری» و بر مبنای «تعالی»، «کارآمدی» و «رضامندی» منطبق کرده و عدالت را اصلی ضروری در تبیین تفاوت‌ها دانسته است. بسیاری از انحرافات جنسی در دوران نوجوانی و جوانی همچون تشبه به جنس مخالف و بروز رفتارهای مخالف جنسیت، ریشه در پرورش نادرست هویت جنسی دارد. والدین باید پرورش هویت جنسی را از همان دوران کودکی و با روش‌های صحیح مورد توجه قرار دهند.

برخی روایات در منابع فقهی بر جدایی بستر کودکان اشاره کرده‌اند. این امر نشانگر آن است که کودکان در این سن، قدرت درک و تمییز هویت جنسی خود را دارند و کنار هم بودن آن‌ها می‌تواند موجب بروز انحرافات اخلاقی و اخلال در شکل‌گیری هویت سالم جنسی شود (هاشمی علی‌آبادی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۲)؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۶)؛ بستر خواب فرزندان‌تان را وقتی به هفت سال رسیدند، جدا کنید». آن حضرت در بیانی دیگر حتی رعایت این دستور اخلاقی را به دو جنس دختر و پسر منحصر ندانسته است؛ بلکه به جدایی بستر دختران با دختران و پسران با پسران در سن ده سالگی امر کرده است: «الصَّبِيِّ وَالصَّبِيَّةِ وَالصَّبِيَّةِ وَالصَّبِيَّةِ»

وَالصَّبِيَّةُ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَصَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ»^۱ (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۳۱) و در روایتی دیگر حتی بوسیدن دختر بچه شش ساله را نهی کرده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز فرموده است: «هنگامی که دختر به شش سالگی رسید، جایز نیست که او را مرد نامحرمی ببوسد و یا او را فشار دهد» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۴۶). این روایات بیانگر آن است که کودکان نیز به امر جنسی توجه دارند و شکل‌گیری هویت جنسی باید از سنین پایین مورد توجه والدین قرار گیرد (هاشمی علی‌آبادی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۲).

ارتباط خانواده و هویت جنسیتی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر ایجاد یک هویت موفق، روابط والدین با نوجوانان است. چگونگی این روابط، نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی نوجوانان خواهد داشت (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹). خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هویت جنسیتی دختران است. در قانون مدنی ایران بر وجود کانون گرم خانواده و اقتدار پدر تأکید شده است. این امر نقش‌های سنتی زنانه و مردانه را هم در خانواده و هم در اجتماع تشدید می‌کند. نقش مادری و کارهای خانگی بر عهده زن و کار خارج از خانه بر عهده مرد به عنوان نان‌آور خانواده است. مجموعه این سیاست‌گذاری‌ها از طرفی روابط سنتی و مردسالارانه را در خانواده تقویت و از سوی دیگر موقعیت زن را هم در بُعد مادری و هم در بُعد اجتماعی و اقتصادی تضعیف می‌کند. بنابراین افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، ساختار سنتی خانواده را که بر اقتدار مردان استوار بود؛ بر هم می‌زند و هویت جنسیتی جدیدی را جایگزین هویت جنسیتی کلیشه‌ای زن و مرد می‌کند. بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت جنسیتی و جایگاه خانواده در نسبت با این هویت به‌ویژه برای دختران نوجوان به عنوان اهرم‌های اساسی هر جامعه که هم نقش‌های مادری و هم نقش‌های اجتماعی را بر عهده دارند، ضرورت می‌یابد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۴).

۱. «بستر خوابِ پسر بچه از پسر بچه و دختر بچه از دختر بچه و پسر بچه از دختر بچه چون به ده سالگی رسیدند، از یکدیگر جدا شوند».

خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در اجتماعی کردن اعضای خانواده مؤثرند، اما به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و منابع دینی، خانواده دارای اهمیت اساسی در جامعه‌پذیر کردن افراد و شکل‌گیری هویت جنسیتی آنان است. کودکان در محیط خانواده پیوسته والدین خود را می‌بینند و نقش‌های آنان را به عنوان شیوه‌های عادی و پذیرفته‌شده برای زنان و مردان تلقی می‌کنند (علمی و علیزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۷). والدین رفتارهای جنسیت‌مدار فرزندان خود را تقویت می‌کنند. به عبارتی رفتارهایی را در پسران تشویق می‌کنند که آن‌ها را دارای اعتماد به نفس، مستقل و جسور بار می‌آورند؛ در حالی که دختران را به سوی رفتارهای افزایش‌دهنده روابط متقابل با دیگران و متکی شدن به آن‌ها سوق می‌دهند (لیندسی و همکاران، ۱۹۹۷، ص ۶۴۳).

بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران، شیوه‌های فرزندپروری یکی از سازه‌های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان و عاملی مهم برای رشد و تکوین شخصیت و شکل‌گیری هویت نوجوانان است. در این میان نوع برخورد والدین می‌تواند در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ اثرگذار باشد. دیانا بامریند (۱۹۹۱) شیوه‌های فرزندپروری والدین را به سه سبک تقسیم کرده است: «الگوی رفتاری قاطع (والدگری همراه گرمی و کنترل بالا)»، «مستبد (والدگری همراه کنترل بالا و گرمی پایین)» و «سهل‌گیرانه (کنترل پایین و گرمی بالا)». شيفر (۱۹۶۵) نیز چهار الگوی فرزندپروری بر اساس دو بعد رفتار والدین یعنی آزادی و کنترل (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و سردی و گرمی (پذیرش در مقابل طرد) را ارائه کرده است (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹).

بنابراین خانواده، عاملی اساسی و بی‌بدیل در شکل‌گیری هویت متعادل دختران و رضایت جنسیتی آنان است. تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همسو بودن شیوه‌های تربیتی والدین و به ویژه نقش تربیتی پدر در نسبت با دختران، می‌تواند در نهادینه کردن هویت جنسیتی مطلوب نقشی اساسی داشته باشد.

نقش پدر و فرایند هویت‌یابی دختران

فرایند هویت‌یابی در جوامع سنتی عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به‌ویژه

جنسیت است که با معیارهای سنتی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی، دینی و سیاسی شکل می‌گرفتند و نظام معنای مشخصی را تولید می‌کردند. امروزه با عرصه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت‌آفرین و وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی و آزادی و استقلال نسبی افراد به‌ویژه دختران در خانواده، صورتی فعال و غالباً آگاهانه به خود گرفته است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳). در چنین شرایطی بررسی تأثیر عوامل نهادی، ساختاری و فرهنگی همچون خانواده به‌ویژه در شهرهایی که در معرض نوسازی بوده‌اند، چگونگی تأثیر این نهاد در هویت‌سازی و شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران را نمایان می‌کند (ایمان و حائری، ۱۳۹۱، ص ۹).

نقش پدر یکی از نقش‌های مهمی است که تنها یک نفر در خانواده آن را ایفا می‌کند. بر اساس شواهد، دریافت و ایفای این نقش نیازمند یادگیری است. از نظر لیتتون (۱۹۵۳) نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اشغال می‌کنند، داده می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱). دادن یک نقش به یک فرد به این معناست که آن نقش یک فرد به تنهایی معنادار نیست و باید بین دو یا چند نفر مورد تعریف قرار گیرد. بنابراین نقش پدر تنها نقشی است که بین فرزند و مرد خانواده تعریف می‌شود (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸).

ایواتا (Iwata, 2003, 297) پدر را فردی می‌داند که در سه مورد با اعضای خانواده جدید در ارتباط است. پدر ابتدا با کودک، سپس با مادر و پس از آن با کلیت خانواده ارتباط دارد. وی نقش پدر را به دو صورت بُعد رفتاری و بُعد تبعی بیان می‌کند. منظور از بُعد رفتاری، ایفای نقش و وظیفه واگذار شده به پدر و منظور از بُعد تبعی، نتیجه‌ای است که از بُعد رفتاری عاید مخاطب مورد نظر می‌شود (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸). از جمله بُعد رفتاری پدر نسبت با کودک می‌توان به بازی کردن، مراقبت کردن، توجه کردن تربیت و پرورش دادن، حفاظت کردن، حمایت کردن و درگیر کردن خود اشاره کرد. در بُعد تبعی پدر نسبت به کودک نیز می‌توان به اجتماعی شدن، نظم و ترتیب دادن، القای خودمختاری کردن، یادگیری اخلاقیات، رشد نقش جنسی، کمک به رشد توانایی‌های شناختی، مداخله در روابط نمادین

مادر- فرزند، تحمیل کردن اقتدار و حمایت و نظارت کردن اشاره کرد (ایواتا، ۲۰۰۳). بسیاری از پژوهش‌ها بر تأثیر رفتار مادر بر فرزند و نقش وی پرداخته و این فرض را قوت بخشیده‌اند که پدر اهمیت مستقیم اندکی در تحول کودک دارد؛ از این رو به نقش پدر کمتر توجه شده است. با این وجود دلایل مختلفی وجود دارد که انتظار می‌رود پدران به‌ویژه در خانواده‌های هسته‌ای امروزی، در تحول و بروز پیامدهای روان‌شناختی فرزندان خود نقش مهمی داشته باشند که می‌توان آن را در سه حالت مشاهده کرد (Flouri, 2005): اول مشارکت پدر در تربیت فرزند می‌تواند همانند مشارکت مادر تأثیر بارزی بر تحول کودک داشته باشد و در دسترس بودن پدر احساس حمایت هیجانی را برای کودک فراهم کند (Cabrera, 2000). دوم روابط پدران با فرزندان خود از روابط مادر- فرزند مجزاست. برای مثال پدران بیشتر فرزندان را برای رقابت و مستقل بودن تشویق می‌کنند و زمان بیشتری را صرف بازی و تعامل‌های برانگیزاننده جسمانی می‌نمایند. بنابراین پدران می‌توانند در تحول برخی جنبه‌های تحول کودک نقش مهمی داشته باشند. سوم مشارکت پدر بر رضایت از نقش مادری و سلامت روانی مادر نیز تأثیر دارد که غیرمستقیم بر بهداشت روانی کودک مؤثر است (Flouri, 2005).

اگرچه پدر و مادر در تربیت فرزندان مسئول هستند، اما پدران نقش بیشتری در ایجاد حس امنیت، استقلال و انتخاب‌های صحیح دختران به‌ویژه در آینده بر عهده دارند. رابطه و رفتار پدر با دختر مسئله بسیار مهمی است که تعیین‌کننده بخش اعظمی از سلامت روان دختران به حساب می‌آید. رفتار پدر با دختر، نیازمند مهارت خاصی است. رفتار پدر با دختر در مراحل رشدی مختلف، متغیر بوده و در هر دوره الزامات خاص خود را دارد. یعنی در هر سنی، والدین با توجه به نیازهای کودک باید به او توجه نشان دهند و رفتارشان را تغییر دهند. فرزندان در هر دوره رشدی که باشند، به محبت و رابطه محبت‌آمیز با پدر، توجه از جانب پدر، اقتدار پدران و صمیمیت با پدر نیاز دارند. به اعتقاد برخی روانشناسان، ارتباط عاطفی خاص پدر و دختر از همان زمان بارداری مادر آغاز می‌شود (آتیه‌آنلاین، «نقش پدر در شکل‌گیری شخصیت زنان موفق»، ۱۴۰۰/۱۲/۲۵).

در ادامه به بررسی نقش تربیتی پدر در سه دوره خردسالی، پیش و پس از بلوغ می‌پردازیم.

۱. نقش پدر و دوره خردسالی دختران

روان‌شناسان معتقدند که سال‌های نخست کودکی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان ایفا می‌کند. بسیاری از رفتارهای کودک در بزرگسالی، حاصل بذرهایی است که والدین در دوران کودکی در وجود او کاشته‌اند. کودک به جهانی پامی‌گذارد که والدینش برای او ساخته‌اند. سارتر معتقد است که کودک، بخشی از اموال والدین است که از او مراقبت می‌کنند و خوشبختی او وابسته به این متعلق بودن است. در واقع کودک، بخشی از یک جهان سازمان‌یافته است که ماهیت و سرنوشت خود را از پدر و مادرش می‌گیرد (علوی‌تبار، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

در دیدگاه‌های روان‌تحلیلگری کلاسیک به نقش پدر در مرحله ادیپی نگریسته شده است و افرادی همچون لووالد (۱۹۵۱) و بعدها ماهر (ماهلر و گاسلینر، ۱۹۵۵) و گریناکر (۱۹۵۷) بر نقش مجزای پدر در اکتساب هویت در سال‌های اولیه کودکی تأکید کرده‌اند. وینی کات (۱۹۹۰) نقش پدر را در دوران نوزادی، حمایت از مادر برای آماده شدن در محیط جدید دانسته است. از سوی دیگر وی معتقد است نقش پدر در دوران نوجوانی، فراهم کردن محیطی غنی، بدون قصاص و بدون انتقام و کینه‌جویی است که به نوجوان امکان رویارویی با مسائل و سرکشی را بدهد. البته در کل، هم وینی کات و هم کلاین بیشتر بر نقش مادر تأکید دارند و نقش پدر را فرعی و در حمایت از مادر دانسته‌اند و تنها در دوران نوجوانی است که پدر به عنوان فراهم‌کننده الگویی برای همسان‌سازی مطرح می‌شود (پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۷). بنابراین پدر در دوران کودکی، با حمایت و کمک کردن به مادر در شکل‌گیری هویت و تربیت کودک تأثیر بسیاری دارد. پدر باید توجه داشته باشد که هر نوع حمایتی که از مادر در این دوران انجام دهد، ثمره و نتیجه آن را در شخصیت کودک خود خواهد یافت. فرزندان از همان کودکی، رفتارهای والدین خود را مد نظر قرار می‌دهند و چون آن‌ها را الگوی خود می‌دانند، می‌کوشند همان رفتار را در خود شکل دهند.

۲. نقش پدر و دوره پیش از بلوغ دختران

در دوران پیش از بلوغ و حدود بازه ۷ تا ۹ سال، فرزندان به تازگی با مفهوم جنس و جنسیت آشنا شده‌اند. آنان تفاوت دختر و پسر و نوع نقش‌ها و فعالیت‌های آنان را

می‌فهمند. در این میان والدین به عنوان اولین افرادی که در ارتباط پیوسته و عاطفی با فرزند قرار دارند، بسیار مورد توجه فرزندان هستند و آنان می‌کوشند که خود را همچون مادر و پدر شکل دهند. در این زمان، پدر اولین جنس مخالفی است که دختر با او در ارتباط قرار می‌گیرد و نحوه تعامل او با جنس مخالف متأثر از رابطه او با پدرش قرار دارد. بر اساس نظریه دلبستگی، کودک در این دوره سلسله مراتبی از روابط دلبستگی را ابتدا با مادر و سپس با پدر شکل می‌دهد. از این رو نقش پدر در این دوره برای دختر اهمیت می‌یابد (همان).

پدران ممکن است بیش از مادران در رشد هویت جنسی سالم دختران نقش داشته باشند. آنان آگاهانه یا ناآگاهانه رشد جنسی دختر خود را تقویت می‌کنند. اگرچه ممکن است پدران از میزان تأثیری که بر تربیت زنانه دختران شان می‌گذارند، آگاه نباشند؛ اما نقش مهمی بر رشد زنانگی دختر خود دارند. برای مثال دختران رشد یافته در خانواده‌هایی که مادر مسلط و پدر منفعل باشد و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نکند و نقش تربیتی به عهده نداشته است، در آینده با مردان دچار مشکل می‌شوند. پدران باید نیازهای متنوع دختران را بشناسند؛ زیرا عدم توجه و تأمین آن‌ها از سوی والدین به‌ویژه پدران می‌تواند به طور بالقوه احتمال گرایش دختران به ایجاد ارتباط با جنس مقابل را افزایش دهد (وبسایت شخصی سخندانی، «نقش پدر در تربیت جنسی کودکان»).

۳. نقش پدر و دوره پس از بلوغ دختران

این دوره سنی از زمان بلوغ شروع شده است و تا اتمام نوجوانی دختر ادامه می‌یابد. این دوره اهمیت بسیاری دارد. دختران در این دوره سنی در صدد تعامل با اجتماع هستند و مفهوم اجتماعی شدن و هویت‌یابی را درک می‌کنند. دختران ضمن توجه به نقش‌های جنسیتی و بر اساس مفاهیم شکل‌گرفته در سنین پایین‌تر و متناسب با انتظارات جامعه و خانواده از آن‌ها، در پی یافتن هویت خودشان هستند. ارتباط با جنس مخالف و تأمین نیازهای عاطفی در این دوره معنا می‌یابد. اینجاست که نقش پدر و تعامل او با دختر در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختر مؤثر است و نقش بسزایی دارد.

مطالعات بسیاری بر رابطه معنادار مشارکت و درگیری پدر با پیامدهای مثبت روان‌شناختی

حتی پس از کنترل نقش مادر، صحنه گذاشته‌اند. به عنوان مثال فلوری و باچانان (۲۰۰۲) نشان دادند که صمیمیت کم میان پدران و دختران نوجوان آن‌ها موجب افسردگی دختران می‌شود. نتیجه برخی پژوهش‌ها در انگلیس نیز نشان داد تعامل بیشتر پدران با فرزندان، موجب کاهش رفتار ضد اجتماعی و افزایش روابط صمیمانه‌تر با همسالان می‌شود. کولی (۲۰۰۳) نشان داد که ادراک دختران از خشم و بیگانگی، رابطه مثبتی با مشکلات رفتاری و هیجانی آن‌ها دارد. در نهایت شواهد نشان می‌دهد که پدرها تأثیر مهمی بر تحول نوجوان دارند، ولی ماهیت و گستردگی این تأثیر روشن نیست (پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

پدر اولین مردی است که دختر به عنوان جنس مذکر با او آشنا می‌شود. دختران بر اساس الگویی که از پدر خود در ذهن دارند، انتظارات خود را از مردان دیگر شکل می‌دهند. اگر دختری از پدرش متنفر باشد یا بسیار عاشق او باشد یا پدر بی‌کفایت و ناشایست یا بسیار موفق و مهربان داشته باشد، از تصویر او برای شکل دادن به انتظاراتی که از سایر مردان دارد؛ استفاده می‌کند. از این روست که پدر نقش مهمی در معیارهای انتخاب و ارتباط دختران با سایر مردان دارد. تیپ‌های شخصیتی، شیوه‌های فرزندپروری و مدیریت رفتار پدران از جمله عوامل مؤثر در ارتباط بین دختر و پدر و روابط دختران با سایر مردان است.

الگوهای تعاملی پدران

در نحوه تعامل پدران با دختران، چند الگوی معین از پدرها را می‌توان ارائه داد که در نحوه ارتباط دختران با سایر مردان مؤثر است. برخی از این الگوها عبارتند از:

۱. پدران قدرتمند. داشتن پدران قدرتمند موجب شکل‌گیری نوعی آرمان‌گرایی در دختر می‌شود. دختر با دیدن عظمت پدر خود، مردانی را که از این هیبت برخوردار نیستند، ناچیز می‌پندارد. در این حالت دور شدن از این پدر قدرتمند برای دختر سخت و دختر نیازمند آن است که از طریق آگاهی دریابد که مردان را همان‌گونه که هستند، بپذیرند. این قدرتمندی پدر، بر دختر نیز منتقل و او نیز در هویت‌یابی خود از قدرت و استقلال بیشتری نسبت به سایر همسالان خود برخوردار می‌شود.
۲. پدران بی‌محبت. روابط والدین در خانواده بر فرزندان تأثیر بسزایی دارد. رابطه بد

پدر و مادر بر زندگی عاطفی فرزندان به ویژه در نوجوانی و بزرگسالی آثار نامطلوبی دارد و فرزندان را با خلأ بی محبتی روبه رو می کند. بی محبتی پدر، نوعی اضطراب دائمی در دختر ایجاد می کند. در موارد بسیاری دختر برای رفع این بی محبتی پدر، اقدام به تأمین آن از راه های ناشایست می کند.

۳. پدران بی خیال. پدرانی که خود را در قبال خانواده و فرزندان مسئول نمی دانند. اینان نسبت به تأمین نیازهای فرزندان و به ویژه دختران احساس مسئولیتی ندارند. دختر در این رابطه دچار مشکل روحی می شود و در بزرگسالی می کوشد به نحوی این خلأ را تأمین کند.

۴. پدر کنترل گر و تند خو. ارتباط این پدران با دختران، نوعی تأیید محسوب می شود. این رفتار پدر منجر به شکل گیری احساس ترس مبهم اما مداوم در درون دختر می شود. در اثر ناتوانی پدر در کنترل ارتباط همراه با صداقت، دختر نیز به سوی پنهان کاری و عدم اعتماد سوق داده می شود. بدیهی است این احساسات و رفتارها موجب می شود دختر پس از بلوغ در ارتباط با سایر مردان، به صورت غیرمستقیم و با عدم صراحت عمل کند. پدران باید به نقش خود در رشد شخصیت زنانه دختر نیز بسیار توجه کنند. شناخت پدر از حالات زنانگی دختر، یکی از مسائل بسیار مهم و حائز اهمیت است؛ زیرا اگر دختر از طرف پدر احساس شناخت و توجه نکند و یا پدر به شیوه ای افراطی خانم ها را جنس برتر و ارزشمندتر بداند، در آینده دختر در رشد شخصیت و حتی پذیرش جنسیت خود دچار مشکلاتی خواهد شد. پژوهش های روان شناختی نشان داده اند دخترانی که در خانه مورد حمایت عاطفی پدران شان قرار می گیرند، در ارتباط با جنس مخالف دچار تصمیم های سطحی و لحظه ای و زودگذر نمی شوند و در انتخاب های خود کمتر درگیر احساسات و هیجان های آنی می شوند. پدرانی که نقش طبیعی خود را به عنوان حامی جنسیت دختر خود نادیده می گیرند، بیشتر به روحیه دختر آزار می رسانند و روند رشد عادی او را برای معاشرت با دیگران به خطر می اندازند. چنین دختری همیشه به دنبال هویت جنسی گمشده خود می گردد. بسیاری از زنان موفق در دوره کودکی و نوجوانی، پدرانی داشته اند که استعداد و احساسات مربوط

به جذابیت و دوست‌داشتنی بودن را در آن‌ها پرورش داده‌اند. در واقع این زنان در طول زمان شکل‌گیری شخصیت، به طور مستمر از جانب پدران‌شان مورد احترام بوده و هیچ‌گاه ضعیف شمرده نشده‌اند (آتیه‌آنلاین، «نقش پدر در شکل‌گیری شخصیت زنان موفق»، ۱۴۰۰/۱۲/۲۵).

نتیجه‌گیری

هویت‌یابی و شکل‌گیری هویت جنسیتی در دختران حائز اهمیت است و عوامل بسیاری بر آن تأثیرگذار هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هویت جنسیتی دختران، نقش تربیتی پدر در خانواده است. پدرانی که بیشتر با دختر خود همراه هستند و برای آن‌ها وقت می‌گذارند و به تأمین نیازهای روان‌شناختی و تربیتی آن‌ها توجه می‌کنند، در آینده دخترانی مستقل و قوی خواهند داشت که در برابر جنس مخالف دچار آسیب نمی‌شوند. نقش پدر از همان دوران بارداری مادر شروع می‌شود و تا دوره خردسالی، دوران پیش از بلوغ و حتی دوران پس از بلوغ دختر ادامه می‌یابد. هر کدام از این مراحل حائز اهمیت است و رفتار والدین همچون بذری در وجود فرزند قرار می‌گیرد که در آینده به ثمر می‌نشیند. با این وجود، دوره پس از بلوغ دختران از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا دختر در این دوره در تقابل خود و اجتماع قرار می‌گیرد و در صدد یافتن هویت اجتماعی و هویت جنسیتی خود است. بر اساس پژوهش‌ها دخترانی که از حمایت‌های عاطفی پدر برخوردار باشند، در ارتباط با جنس مخالف دچار تصمیم‌های سطحی و زودگذر نمی‌شوند و احساسات و هیجانات کمتری بروز می‌دهند. در هویت‌یابی و یافتن هویت جنسیتی خود نیز کمتر دچار انحراف می‌شوند و هویت‌یابی موفق‌تری خواهند داشت. توجه به نقش پدر تنها در منابع دینی مورد توجه نبوده است؛ بلکه از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز به ضرورت و اهمیت این مسئله پرداخته شده است. حتی در برخی منابع لاتین نیز به اهمیت نقش والدین و به‌ویژه پدر در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران توجه شده است.

فهرست منابع

عربی

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البتین، لایحیاء التراث.
۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، کتابت من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴ش)، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فارسی

۱. ایمان، محمدتقی و فاطمه حائری، (۱۳۹۱ش). «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان‌های ناحیه ۲ شهر شیراز»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۰، ش ۴، ص ۴۰-۷.
۲. بستان، حسین، (۱۳۸۵ش). «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی»، فصلنامه علمی پژوهشی زن در توسعه و سیاست، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، ص ۳۱-۵.
۳. پاکدامن، شهلا، علیرضا کاکاوند و سعید قنبری، (۱۳۹۰ش)، «کیفیت دل‌بستگی و مشکلات رفتاری-هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران»، فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، سال ۵، ش ۱، ص ۱۰۰-۸۵.
۴. حسین‌زاده، علی حسین، عبدالرضا نواح و هدی ساکی، (۱۳۹۳ش)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال هشتم، ش ۱، ص ۱۰۲-۸۱.
۵. رئوف ملایری، مریم، سعید بهشتی، حسین اسکندری و عباس عباس‌پور، (۱۳۹۷ش)، «نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران، سال دوم، ش ۳، ص ۳۱۱-۳۰۲.
۶. ساروخانی، باقر و مریم رفعت‌جاه، (۱۳۸۳ش)، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۱۳۳، ص ۹۱-۷۱.
۷. سفیری، خدیجه و سیده عقیده محمدی، (۱۳۸۴ش)، «هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، ش اول، ص ۱۳۹-۱۰۷.

۸. عباس‌پور آذر، زهرا، ربابه عطایی فر و طاهره مرادیان، (۱۳۹۹ ش)، «پیش‌بینی سبک هویت بر اساس رابطه فرزندپروری ادراک شده و نگرش منفی دختران نسبت به پدران»، فصلنامه علمی پژوهشی خانواده و پژوهش، ش ۴۸، ص ۲۶-۷.
۹. علمی، محمود و حمید علیزاده، (۱۳۸۸ ش)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و مطالعات خانواده، سال اول، ش ۳، ص ۹۰-۷۵.
۱۰. علوی تبار، هدایت‌الله، (۱۳۸۱ ش)، «نظر سارتر در خصوص نقش پدر و مادر در شکل‌گیری شخصیت کودک»، نامه فرهنگ، ش ۴۵، ص ۱۱۱-۱۰۹.
۱۱. غلامی، علی، (۱۳۹۸ ش)، هویت و نقش‌های جنسیتی زن در اسلام، مروری اجمالی و تطبیقی بر نظام جنسیت و خانواده در اسلام، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۱۲. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، (۱۳۸۵ ش)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
۱۳. مسعودی، حمید، محمد مظلوم خراسانی و محسن نوغانی، (۱۳۹۴ ش)، «تأثیر نقش پدری بر تربیت دینی فرزندان در بین خانواده‌های شهر مشهد»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، ش ۲۰، ص ۱۶۲-۱۴۱.
۱۴. هاشمی‌علی‌آبادی، سید احمد، (۱۴۰۰ ش)، «بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی از دیدگاه آیات و روایات»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال ۱۲، ش ۲، ص ۲۱۹-۲۰۸.
۱۵. هیلگارد، اتکینسون، (۱۳۸۵ ش)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، تهران: رشد.

لاتین و سایت‌ها

- Albrecht, et al. (1987). "Social Psychology". Englewood Cliffs And New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Baron, R. A.; nd Byrne, D (1997) "social Psychology", New Delhi: Prentice- Hall of India.
- Bem, S.L. (1974) "The Measurement of Psychological Androgyny" Journal of Consulting and Clinical Psychology, 42, 155 –162.
- Brown, K. (1987) Adolescent development and behavior" Englewood cliffs and new jersey. Prentice Hall Inc.
- Bron, R. A. and Byrne, D. (1997). "social psychology", Boston: Allyn and Bacon.
- Burr, V. (1998) Gender and Social Psychology, London: Routledge.
- Brinkman, B.C. & Rabenstein, K.L. (2012), "Children's Gender Identity Development: The Dynamic Negotiation Process between Conformity and Authenticity", Youth & Society, 27(46), 835- 852.
- Chen, Guo.(2021). The Role of Parents in Their Children's Gender Identity, Atlantis Press SARL.
- Cabrera, N. J., Tamis- Lemonda, S., Bradley, R. H., Hofferth, S. & Lamb, M. E. (2000). Fatherhood in the twenty- first century. Child Development, 71: 127-136.
- Dumais, J.A . (2002). "Cultural capital, gender, and school success". Sociology (Ed). Vol. 75, No.1, PP: 44-69.

11. Doyle, J.A& Paluldi, M.A. (1998). "Sex and Gender, and school success". *Sociology* (Ed). Vol, 75. No.1. PP: 44-69.
12. Duske, Jrome B. (1987). "Adolescent Development And Behavior", Englewood Cliffs And New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
13. Flouri, E. (2005), *Fathering & Child Outcomes*, Chichester, West Sussex: John Wiley & Sons.
14. Harvey, L and MacDonald, M. (1993). *Doing Sociology*, London: The MacMillan Pres LTD.
15. Iwata, H. A Concept Analysis of the Role of Fatherhood: A Japanese Perspective, *J Transcult Nurs* 2003 14: 297.
16. Kammeyer, k.c.w & et.al.(1992). *Sociology*. Boston & London: Allyn& Bacon.
17. Lorber, J. and Susan A. Farrell. (1991) "Principles of Gender Construction", In: "The social construction of Gender", London; New Delhi Scott (2003), *Becoming; Studies in Boys, Men and Masculinity, Young: Volume 8, Number 4*.
18. Mischel, W.(1966). "A social learning view of sex differences in behavior". In E.E.Maccoby (ed), *The Development of Sex Differences*. Standford: CA; Standford university press.
19. Michael kimmel (1997). "Masculinity as homophobia". In *toward a ew psychology of gender*, eds, mary gender and sara divis.
20. Oakley, Ann. (1976). "Woman Work, The Housewife, Past and Present". New York: Vintage Books.
21. Pilcher, Jane and Imelda Whelehan (2005) "Fifty Key Concepts in Gender Studies", SAGE Publication London; *Culture, Health & Sexuality*, 7(6), 646-668.
22. *Psychology*". Singapore: McGraw-Hill Book Company.
23. Schaeffer. F. T. & Lamn R. P (1992) *Sociology*, New York: Mc Graw Hill. (13) Shaw, Marvin E. and Costanzo, Philip R. (1982) "Theories of Social
24. Zuo, J (1997) "The Effect of Men's Breadwinner Status on Their Changing Gender Beliefs", *Sex Roles*, Vol. 37, No. 9/10, pp: 799- 8165.
25. <https://www.atiyonline.ir/news/46831>
26. <http://sokhandani.com/?page/class/&id=1495>
27. <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/150945>